

لیرانیان و قرآن

ترجمہ تفسیر طبری

تألیف

الہہ رجبی فر

IRANIAN
& QORAN

TARJUMI-YI ṬABARĪ

5

Written By

İLĀHİ RAJABĪFAR

ISBN-978-600-5505-10-8



9 786005 550510

شایک
دوره

ISBN-978-600-222-162-9



9 786002 221629



ترجمہ تفسیر طبری

تألیف

الہہ رجبی فر



خانه کتاب

بہمن ۱۳۹۲

سرشناسه: رجبی فر، الهه، ۱۳۵۹ -، توشیحگر
 عنوان قراردادی: جامع البیان فی تفسیر القرآن
 عنوان و نام پدیدآور: ترجمه تفسیر طبری / تألیف الهه رجبی فر
 مشخصات نشر: خانه کتاب؛ ۱۳۹۲.
 فروست: خانه کتاب؛ ۳۹۱. مجموعه ایرانیان و قرآن؛ ۵.
 شابک دوره: ۸ - ۱۰ - ۵۵۰۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸ شابک: ۹ - ۱۶۲ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۴؛ همچنان به صورت زیر نویس.
 موضوع: تفاسیر اهل سنت - قرن ۵ ق
 موضوع: طبری، محمد بن جریر، ۲۲۴؟ - ۳۱۰ ق. جامع البیان فی تفسیر القرآن - نقد و تفسیر.
 شناسه افزوده: خانه کتاب
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۲۰۴۲۲۴ ج ۲ ط ۲ ج ۹۳ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۱۷۳۴ شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۴۰۵۴



مجموعه ایرانیان و قرآن

۵

۳۹۱

نام اثر: ترجمه تفسیر طبری

تألیف: الهه رجبی فر

زیر نظر: اکبر ثقفیان، علی اوجبی

ناشر: خانه کتاب

حروف نگار: رضا علی محمدی

نوبت چاپ: اول - بهمن ماه ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹ - ۱۶۲ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: چاپ سروش

مجموعه ایرانیان و قرآن با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰ - تلفن: ۸۸۳۴۳۹۸۵

درباره‌ی مجموعه‌ی «ایرانیان و قرآن کریم»

به نام آن که جان را فکرت آموخت

به گواهی منابع تاریخی، ایرانیان تنها ملت فرهیخته‌ای بودند که آیین حنیف اسلام را با آغوش باز پذیرفتند. ایرانیان در برابر بزرگ‌ترین لشکرکشیها، همچون هجوم دو لشکر شکست‌ناپذیر روم و مغول که قدرتهای نامور دوران خود بودند، ایستادگی کردند، اما با سپاهیان اعراب به گونه‌ای دیگر رفتار کردند. زیرا آنها حامل آیینی الهی بودند که پیش از آن پیامبر رحمت در نامه‌ی خویش پادشاه ایران را بدان خوانده بود:

به نام خداوند مهر گسترِ مهربان

از محمد رسول خدا به کسری بزرگ ایران

درود بر کسی که از هدایت پیروی کند و به خدا و پیامبرش باور داشته باشد و گواهی دهد که هیچ پرستهای جز خدای بی‌همتا نیست؛ و محمد بنده و پیام آور اوست. تو را به پیروی از خدای می‌خوانم. چرا که من پیامبر او برای تمامی مردمانم.

ایرانیان که از پشتوانه‌ی فرهنگی و تمدن غنی و دراز دامنی برخوردار بودند، با هوش و درایت ذاتی خویش دریافتند که اسلام گم‌شده‌ای است که آنها را به نیکبختی جاودان که به دنبالش بودند می‌رساند؛ از این روی با جان و دل به استقبالش

رفتند و در راه رشد و گسترش آن در سراسر گیتی از اعراب پیشی گرفتند و از هیچ تلاشی فروگذار نشدند.

صفای باطنی و هوش سرشار ایرانیان باعث شد تا از همان آغاز از برترین دین باوران، مبلغان و قاریان، حافظان، مترجمان و مفسران آخرین وحی نامه الهی باشند. در عصر کنونی شاید بسیاری ندانند که پارسی گویان نه تنها در عرصه فقه، حدیث، حکمت و... بلکه در ساخت حفظ، قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن کریم نیز پیشتاز بوده‌اند.

مجموعه‌ی چهل جلدی ایرانیان و قرآن کریم نیم نگاهی است به بیش از پانزده قرن تلاش قرآن پژوهان ایرانی در معرفی و بزرگداشت آخرین وحی نامه الهی. از آنجا که مخاطبان این مجموعه گرانسنگ جوانان پژوهشگر هستند، سعی شده است از زبانی ساده و روان در نگارش آثار استفاده شود و در پایان هر اثر منابعی برای مطالعه بیشتر معرفی گردد.

آنچه پیش روی شماست، دفتر پنجم مجموعه ایرانیان و قرآن است که مؤلف آن سرکارخانم الهه رجبی‌فر، ترجمه‌ی تفسیر طبری را به نسل جوان قرآن پژوه معرفی کرده است.

در پایان شایسته است نخست از تمامی نویسندگان اندیشه‌وری که در به فعلیت رسیدن این مجموعه مشارکت داشته‌اند، و نیز معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولان و کارمندان مؤسسه‌ی خانه‌ی کتاب، بویژه واحد انتشارات تقدیر شود. زیرا بدون تلاش و همدلی این عزیزان مجموعه‌ی ایرانیان و قرآن در قالبی زیننده و درخور به پژوهشگران و علاقه‌مندان فرهنگ غنی ایرانی اسلامی عرضه نمی‌شد.

اکبر ثقفیان و علی اوجبی

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
فصل اول: ترجمه و تفسیر	۱
بخش اول: ترجمه	۳
۱. معنای لغوی ترجمه	۳
۲. معنای اصطلاحی ترجمه	۵
۳. معنای ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری	۶
۴. سیر جواز ترجمه‌ی قرآن کریم تا روزگار نگارش ترجمه‌ی تفسیر طبری	۸
۵. ترجمه‌ی جمعی قرآن کریم	۱۱
۶. انواع ترجمه‌های قرآن	۱۱
۷. شیوه و سبک ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری	۱۳
بخش دوم: تفسیر	۲۰
۱. معنای لغوی تفسیر	۲۰
۲. معنای اصطلاحی تفسیر	۲۱
۳. معنای تفسیر در ترجمه‌ی تفسیر طبری	۲۳

۴. پیدایش تفسیر و تحولات آن تا روزگار نگارش ترجمه‌ی

- تفسیر طبری ۲۴
۵. انواع تفسیر و روش تفصیلی ترجمه تفسیر طبری ۳۲
۶. شیوه و سبک تفسیر در ترجمه‌ی تفسیر طبری ۳۶

فصل دوم: آشنایی با ترجمه‌ی تفسیر طبری ۵۱

۱. تاریخ و انگیزه‌ی نگارش کتاب ۵۳
۲. قدمت کتاب ۵۴
۳. «ترجمه‌ی تفسیر طبری» ترجمه‌ی «تفسیر طبری» نیست ۵۸
۴. پدیدآورندگان کتاب ۶۲
۵. منابع و مصادر کتاب ۶۵
۶. ساختار کتاب ۸۲
۷. نسخه‌های کتاب ۸۴

فصل سوم: بررسی ادبی ترجمه‌ی تفسیر طبری ۸۷

۱. ارزش ادبی کتاب ۸۹
۲. سبک ادبی و ویژگی‌های نثر کتاب ۹۱
۳. ویژگی‌های دستوری کتاب ۱۰۳
۴. ویژگی‌های آوایی کتاب ۱۳۱
۵. شیوه‌ی املائی یا رسم الخط کتاب ۱۳۲
۶. بررسی واژگان و ترکیبات کتاب ۱۳۵

نمایه‌ها ۱۳۹

۱. آیات ۱۴۱
۲. روایات ۱۴۳

۳. کسان ۱۴۵

۴. گروه‌ها ۱۵۳

۵. کتابها ۱۵۹

۶. جایها ۱۶۵

منابع و مأخذ ۱۶۹



و می‌فرستیم از قرآن آنچه او بَوَد شفا - از
کوردلی - و آسایش و بخشایش است گرویدگان
را، و نیفزاید کافران و مشرکان را مگر
زیان‌کاری.^۱

پیشگفتار

ترجمه‌ی تفسیر طبری یکی از نثرهای کهنِ زبان فارسی است که از روزگار
سامانیان به یادگار مانده است.

عصر سامانی یعنی قرن چهارم و پنجم هجری پر بارترین دوران تاریخ ایران
است؛ عهد رواج و پیشرفت ادب فارسی و حکومت قاطع زبان فارسی دری،
عصری که در آن به فرهنگ ایرانی توجه وافری شد و نثر فارسی مور اقبال
فرمانروایان قرار گرفت. امیران سامانی از مشوقان اصلی ترجمه‌ی کتابهای
مختلف به زبان فارسی دری بودند، از این‌رو نخستین آثار منثور فارسی در آن
عهد نگاشته شد و آثار متعددی از زبان عربی به فارسی ترجمه شد. ترجمه‌ی

۱. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۴، ترجمه‌ی آیه‌ی ۸۲، سوره‌ی اسراء: «و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا یَزِیدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً».

تفسیر طبری یکی از نمونه‌های درخشان این متون فارسی قدیم است که از گزند حوادث زمانه در امان بوده و تا به امروز بر جای مانده است.

این کتاب «نخستین ترجمه و تفسیر رسمی قرآن کریم» به زبان فارسی است که در پی صدور فتوای فقهای ماوراءالنهر بر جواز ترجمه‌ی قرآن پدید آمد.

در میانه‌ی قرن چهارم هجری تفسیر طبری یا جامع‌البیان فی التفسیر القرآن تألیف مفسر و مورخ نامی، محمد بن جریر طبری (درگذشته‌ی ۳۱۰ ق) آوازه‌ی بلندی داشت و امیر منصور بن نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۶۵ ق) به ضرورت ترجمه‌ی آن به زبان فارسی پی برد و گروهی از علما را بر این کار گماشت. به گواهی مقدمه‌ی این کتاب چون او تفسیر طبری را که به زبان عربی نوشته شده بود، بدید و خواندش را برای فارسی زبانان دشوار یافت؛ همت گمارد که این تفسیر ارزشمند به فارسی بازگردانده شود. از این رو برای پرهیز از اعتراض منتقدان، از فقهای آن روزگار اجازه‌ی ترجمه خواست. ایشان هم خواندن و نوشتن ترجمه‌ی قرآن را به فارسی برای کسانی که زبان عربی ندانند، روا دانستند و به ترجمه فتوا دادند. بر این اساس ترجمه‌ی تفسیر طبری با اقتباس از تفسیر طبری و به قلم جمعی از علمای ماوراءالنهر به رشته‌ی تحریر درآمد.

این اثر که نگارشی مستقل یا ترجمه‌ای آزاد از تفسیر ارزنده‌ی طبری است، از دیرباز مورد توجه و استقبال خاص مفسران و مترجمان قرآن کریم و ادیبان و واژه‌شناسان قرار گرفت.

جایگاه این کتاب چندان رفیع است که آن را همسنگ با شاهنامه‌ی فردوسی در ادب فارسی خوانده‌اند، چرا که گنجینه‌ای سرشار از واژگان ناب فارسی است و ارزشمندی آن به واژه‌گزینی و به کارگیری تعابیر فارسی در برابر لغات قرآنی است. شگفتا به رغم گذشت ده قرن از نگارش این کتاب، هنوز هم برای فارسی زبانان قابل فهم است و چنان به زبان معاصر نزدیک است که اگر گردکهنگی

واژگان و سبک از آن زدوده شود، گویی برای امروز نوشته شده است. به حقیقت زبان فارسی امروز، همان زبان شیوای ترجمه‌ی تفسیر طبری است و تغییرات آن چندان نبوده که شالوده‌ی زبان از هم بگسلد و درک آن دشوار شود، این در حالی است که با گذر زمان، زبان برخی از تمدن‌ها به قدری دستخوش تغییر و تحوّل قرار گرفته که ادراک متون قدیم آنها، حتّی برای دانشمندان نیز به آسانی میسر نیست.

درباره‌ی ارزش این کتاب همین نکته بس که این اثر طلیعه‌ی ترجمه‌ها و تفاسیر فارسی قرآن کریم است و شمار بسیاری از ترجمه‌ها و تفاسیری که در چهار قرن نخست هجری پدید آمد، به پیروی از آن ظهور یافت. بی‌گمان شماری از مترجمان قرآن نیز از آن به عنوان یک مرجع و الگو بهره برده و مطالبی را اقتباس کرده‌اند.

آنچه مسلّم است، این اثر مشتمل بر یک دوره ترجمه‌ی قرآن کریم و تفاسیر آیات است؛ بدین‌گونه که برای هر یک از سوره‌های قرآن دو بخش اختصاص یافته؛ یکی ترجمه‌ی آیات که تحت اللفظی یا واژه به واژه است و دیگری مطالب تفسیری مربوط به آن آیات که به شیوه‌ی تفسیرنگاران کهن اغلب حاوی قصص انبیا، ذکر اخبار و داستان‌های تاریخی است.

کتابی که اینک پیش روی شما خواننده‌ی ارجمند است، معرفی و ارزیابی اثر گرانقدر ترجمه‌ی تفسیر طبری است که نگارنده آن را در سه فصل فراهم آورده است: فصل نخست برای بیان معنا و ویژگی‌های ترجمه و تفسیر در کتاب مورد نظر، ناگزیر به مباحثی در حوزه‌ی ترجمه و تفسیر قرآن کریم اختصاص یافت. در فصل دوم، جنبه‌های گوناگون این اثر معرفی و ارزیابی شد. فصل سوم نیز مشتمل بر بررسی ادبی این متن کهن است. ۱۷

تدوین این نوشتار محصول تحقیق در آثار فرهیختگانی است که نظریه‌های

ارزشمندشان در جای جای سطور آن به گونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم بازتابیده است.

سرانجام از لطف حضرت حق که همواره یاریگرم بوده است سپاسگزارم و از آقای علی اوجبی که این اثر به ترغیب ایشان آغاز و انجام یافت، آقای اکبر ثقفیان که تا به سامان رسیدن آن صبوری ورزیدند، استاد مهدی محقق که متن کمیاب ترجمه‌ی تفسیر طبری را در اختیارم قرار دادند و زنده‌یاد محمد جواد شریعت که از راهنمایی ایشان بهره‌مند گشتم، قدردانم. امید که صاحب نظران فرزانه کاستی‌های آن را به دیده‌ی اغماض بنگرند.

معنی قرآن ز قرآن پرس و بس

الهه رجبی‌فر

مهر ۱۳۹۲

فصل اوّل

ترجمه و تفسیر

پیش از ورود به ساحت کتاب ارزشمند ترجمه‌ی تفسیر طبری و بررسی زوایای گوناگون آن، طرح مباحثی بنیادین ضروری به نظر می‌رسد تا از آن رهگذر بتوان به معنا و شیوه‌ی ترجمه و تفسیر در این اثر دست یافت. بنابراین طلیعه‌ی نوشتار را به موضوع ترجمه و تفسیر به‌ویژه در ترجمه‌ی تفسیر طبری اختصاص می‌دهیم.

بخش اول: ترجمه

۱. معنای لغوی ترجمه: سخن آغازین آنکه کلمه‌ی ترجمه در قرآن کریم به کار نرفته و در فرهنگ‌های کهن عربی ذکر نشده است. در قاموس‌های عرب نیز معنای اصلی آن شرح و تفسیر است.

تا اواخر قرن دوم، زبان عربی الفاظ ترجمان و ترجمه و مشتقات آن را به معنای امروزی نمی‌شناخته و جای آن کلمات «نقل» و «تحویل» یا اصطلاحات عام‌تری به کار می‌برده است.^۱

اعتقاد لغت‌شناسان درباره‌ی ریشه و اصل واژه‌ی ترجمه گوناگون است؛ پاره‌ای آن را لغتی عربی و برخی غیر عربی و معرّب دانسته‌اند و درباره‌ی اینکه از چه

۱. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص ۶۰.

زبانی وارد زبان فارسی شده، اختلاف نظر بسیار است. محققانی که معتقدند ترجمه یک لغت عربی است، بر سه دسته‌اند: گروهی آن را از کلمه‌ی «تَرْجَم»^۱ و برخی از کلمه‌ی «رَجَم» به معنای سخن گفتن از روی حدس و گمان می‌دانند^۲ و شماری نیز ترجمه را هم در کلمه‌ی «تَرْجَم» و هم در کلمه‌ی «رَجَم» ذکر کرده‌اند.^۳

در لغتنامه‌ی دهخدا واژه‌ی ترجمان چنین معنا شده است: شخصی را گویند که لغتی را به زبان دیگر تقریر نماید، بیان‌کننده‌ی زبانی به زبان دیگر، و تعریب ترزفان یا ترزبان است. در فرهنگ جهانگیری سه لغت آمده است: ترزبان که کنایه از خوش بیان است، ترجمان به همان معناست و تاجران شخصی را گویند که معنی لغتی به لغتی دیگر بفهماند و آن را ترجمان نیز گویند. برخی معتقدند واژه‌ی ترجمان (targuman) در پهلوی به معنی خواب‌گزار (xwamn-wizar) بوده و شاید شکل پهلوی «گردان» را همراه با (wizardan) به معنی ترجمه کردن به کار می‌برده‌اند.^۴ گروهی دیگر نیز ترجمه را با «ترگوم»^۵ آرامی مرتبط می‌دانند. برخی از لغویان نیز ترجمه را از کلدانی و از لغت «رَجَم» به معنای افکندن می‌دانند؛^۶ و سرانجام در فرهنگ تطبیقی عربی به زبان‌های سامی و ایرانی آمده است: «تَرْجَم» یعنی ترجمه کردن، به زبان‌های دیگری درآوردن. آرامی و عبری آن targem و در سریانی targem است. «ترجمان»: مترجم، گزارنده، و در سریانی به شکل‌های targmana و

۱. ر.ک: المعجم الوسيط، جزء ۱، ص ۸۳.

۲. ر.ک: معجم مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۹۵.

۳. ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۲۶؛ منتهی الارب فی لغة العرب، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴. ر.ک: تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص ۶۰.

۵. ترگوم همان کتاب عهد قدیم است که از زبان عربی به زبان آرامی ترجمه شده است.

(تاریخ مختصر زبان‌های سامی، ص ۸۰)

۶. ر.ک: تاریخ قرآن، ص ۶۴۶.

turgomona وجود دارد. واژه‌ی dragoman (به معنای مترجم رسمی) و truchement (به معنای واسطه برای بیان و تعبیر افکار کسی) را در زبان فرانسه مأخوذ از همین واژه می‌دانند. «ترجوم»: ترجمه‌ی تورات به زبان آرامی است.^۱

۲. معنای اصطلاحی ترجمه: در متون مختلف برای اصطلاح ترجمه، تعاریف و شرح‌های گوناگونی آمده است. در این مجال به ذکر مهم‌ترین آن مفاهیم می‌پردازیم:

- بیان سیرت و اخلاق و نسبت اشخاص: بدین مناسبت کتاب تراجم به کتابی گفته می‌شود که شرح حال بزرگان در آن آمده است.^۲

- مقدمه و دیباچه‌ی کتاب که به آن ترجمه‌الکتاب گفته می‌شود.^۳

- رساندن سخن به کسی که آن را شنیده است: این معنی بیشتر در تبلیغ

احکام الهی و بیان الفاظ آسمانی به کار می‌رود.^۴

- تفسیر و شرح سخن به زبانی که سخن به آن زبان گفته شده است.^۵ در

لقب ابن عباس هم همین معنی مدنظر است که او را ترجمان القرآن خوانده‌اند، یعنی مبیین، مفسر و شارح قرآن کریم. طبری صاحب جامع البیان و زمخشری صاحب تفسیر کشاف نیز ترجمه را به معنای بیان و تفسیر و شرح به کار برده‌اند.

- تفسیر و تقریر کلام به زبان دیگر: در بیشتر فرهنگ‌های عرب این معنی

آمده است.^۶

۱. ر.ک: تفاوت ترجمه‌های قرآن از منظر ایدئولوژیک، ص ۳۲.

۲. ر.ک: مشکل ترجمه‌ی قرآن، صص ۱۳۰-۱۲۷.

۳. ر.ک: همان. ۴. ر.ک: تاریخ قرآن، ص ۶۷۴.

۵. ر.ک: تفاوت ترجمه‌های قرآن از منظر ایدئولوژیک، ص ۳۳.

۶. ر.ک: همان.

- نقل و برگردان کلام از زبانی به زبان دیگر که متداول‌ترین معنای ترجمه است.^۱ آنچه مسلم است، در عرف عام همین معنا منظور است یعنی برگرداندن معنای کلامی از زبانی به زبان دیگر به طوری که تمام معانی و مقاصد منظور در متن اصلی به زبان دیگر منتقل شود و در زبان دیگر همان معانی و مقاصدی فهمیده شود که در زبان اصلی از آن فهمیده می‌شود.^۲

- مفهوم ترجمه و تعریف آن در حوزه‌های زبان، همواره تحت تأثیر دیگر گونه‌های مختلف علوم به‌ویژه مطالعات زبان‌شناسی بوده است. یکی از مشهورترین تعاریف ترجمه از آن زبان‌شناس روس، رومن یاکوبسن است. هموکه معتقد است:

ترجمه به مثابه‌ی تفسیری است که از واژگان یک متن صورت می‌گیرد.^۳

۳. معنای ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری: درباره‌ی مفهوم ترجمه در کتاب ترجمه‌ی تفسیر طبری، بحث‌های فراوانی شده است. برخی پژوهشگران کاربرد این کلمه را در مقدمه‌ی کتاب^۴ به معنای امروزی - یعنی برگرداندن معنای کلامی از زبانی به زبان دیگر، به طوری که تمام معانی و مقاصد منظور

۱. ر.ک: مناهل العرفان فی علوم القرآن، ص ۶۷۳.

۲. ر.ک: تاریخ قرآن، ص ۶۴۷.

۳. تفاوت ترجمه‌های قرآن از منظور ایدئولوژیک، ص ۳۳.

۴. لفظ ترجمه شش بار در مقدمه‌ی کتاب آنجا که سخن از آوردن تفسیر طبری به ماوراءالنهر و ترجمه و تدوین آن است به معنی امروزی آن به کار رفته است: عنوان مقدمه: «ترجمة الکتاب بالفارسیة» و عبارات آغازین آن: «و این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمدبن جریر الطبری رحمة الله علیه، ترجمه کرده به زبان پارسی دری راه راست... این کتاب نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوالصالح منصور... پس دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب به زبان تازی و چنان خواست که مرین را ترجمه کند بزبان پارسی... و همه خطها بدادند بر ترجمه‌ی این کتاب که این راه راست است... پس بفرمود امیر تا این کتاب را ترجمه کنند. پس ترجمه کردند...».

در متن اصلی به زبان دیگر منتقل شود - نشان از تحریف این سند ارزشمند می‌دانند، زیرا معتقدند کلمه‌ی ترجمه در قرن چهارم و پنجم تنها در معنای تفسیر و شرح و گاه تلخیص به کار می‌رفته است. به عنوان نمونه در ترجمه‌ی حی بن یقظان ابن سینا - که متعلق به قرن پنجم است - در سراسر کتاب هرجا سخنان ابن سینا کاملاً ترجمه شده، متن با تفسیرش آغاز شده است.

به بیان دگر نویسندگان ایرانی قرن چهارم در شرق ایران کلمه‌ی ترجمه را به معنی امروزی به کار نمی‌برده‌اند، بلکه بیشتر معنی شرح، تفسیر، بیان و شاید تلخیص از آن اراده می‌کرده‌اند.^۱ در تأیید این نظر می‌توان از خود ترجمه‌ی تفسیر طبری شاهد آورد، بدین معنا که هرگاه نویسندگان این کتاب، آیات قرآنی را کلمه به کلمه به فارسی برگردانده، اصلاً کلمه‌ی ترجمه را به کار نبرده، اما وقتی وارد مباحث تفسیری شده و قصص گوناگون را نقل کرده‌اند، آن را ترجمه‌ی سوره نامیده‌اند.

براساس ساختار ترجمه‌ی تفسیر طبری، آیات قرآن کریم در دو بخش، ترجمه و تفسیر می‌شود در بخش اول ترجمه‌ی کلمه به کلمه‌ی چند آیه ذکر و در بخش دوم تفاسیر مربوط به آن آیات نقل می‌شود. پس از اتمام بخش اول، آنجا که تفسیر آغاز می‌شود، عنوان ترجمه می‌آید که این لغت ترجمه، به همان معنای تفسیر و شرح است. به بیان دیگر در این کتاب هرگاه مؤلفان با دقت و وسواس، ترجمه‌ی آیات قرآن را لفظ به لفظ می‌آورند، مبحث را با کلمه‌ی سوره آغاز می‌کنند و نمی‌گویند که آن عبارات ترجمه است. اما وقتی که به تفسیر - که بیشتر داستان‌های گوناگون و قصص انبیا، خطبه‌ها، غزوات و احادیث است - می‌پردازند، آن را با عنوان ترجمه آغاز می‌کنند. لفظ ترجمه

۱. ر.ک: «ترجمه‌ی تفسیر طبری»، علی اشرف صادقی، دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی، ج ۲،

در بخش تفسیری، ۹۲ بار تکرار شده است.

به همان علت که یکی از معانی قدیم ترجمه، تفسیر به معنای شرح و بیان بوده کلمات ترجمه و تفسیر در ترجمه‌ی تفسیر طبری به عنوان دو واژه‌ی مترادف به کار رفته است و در سراسر کتاب به جز موارد معدودی در مقدمه و متن اثر که در مبحث معنای تفسیر در ترجمه‌ی تفسیر طبری نیز بدان اشاره خواهد شد، هرجا واژه‌ی ترجمه بکار رفته، منظور تفسیر است. گفتنی است در این کتاب، کلمه‌ی حدیث به معنای داستان و یا آیه‌ی قرآن و کلمه‌ی ترجمان به معنای مترجم نیز به کار رفته است.

۴. سیر جواز ترجمه‌ی قرآن کریم تا روزگار نگارش ترجمه‌ی تفسیر طبری: از دیرباز تاکنون موضوع ترجمه‌ی قرآن کریم مورد مناقشه‌ی علما بوده و بحث‌های فراوانی ناظر بر امکان و ضرورت ترجمه‌ی قرآن صورت گرفته است. همچنین ترجمه‌پذیری و جواز و یا عدم جواز ترجمه‌ی قرآن، محل نزاع و معرکه‌ی مخالفان و موافقان بسیاری گردیده است. برخی از فقهای اهل سنت چون مالک بن انس، محمد بن ادریس شافعی و احمد بن حنبل و به پیروی از آنان زرکشی شافعی و زرکانی ترجمه‌ی قرآن را به زبان غیرعربی نهمی کرده و حتی فتوا به تحریم آن داده‌اند؛ و در مقابل شماری چون زمخشری و بیضاوی آن را جایز دانسته‌اند.

در طول تاریخ اسلام ترجمه‌ی قرآن کریم دو ساحت داشته است: یکی انتقال و بیان معانی قرآن به زبان‌های دیگر و دیگری جانشینی ترجمه به جای اصل. علاوه بر این امکان ترجمه‌ی قرآن کریم با دورویکرد زبان‌شناختی و فلسفی و جواز ترجمه‌ی قرآن از دو منظر فقهی و کلامی قابل بررسی بوده است؛^۱ که البته بحث در این موضوع مجال دیگری را می‌طلبد. معتقدان به

۱. ر.ک: «ترجمه‌ی قرآن»، سید احمد هاشمی، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۳.

امکان و جواز ترجمه‌ی قرآن دو واقعه در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله را سبب جایز دانستن ترجمه‌ی قرآن می‌دانند: یکی ارسال نامه‌های بسیار به سران کشورهای همچون حبشه، ایران، روم و مصر که حاوی آیاتی از قرآن بود و ناهم‌زمانی مخاطبان، ترجمه‌ی آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. و دیگری ترجمه‌ی سوره‌ی حمد یا بخش بیشتری از قرآن کریم توسط سلمان فارسی (درگذشته‌ی ۳۵ ق).^۱

براساس مستندات تاریخی و روایی، آنچه مسلم است مسئله‌ی جواز ترجمه‌ی قرآن کریم با سلمان فارسی آغاز شد، سپس در میان صحابه و تابعان شواهدی مؤید موافقت با ترجمه‌ی قرآن پدیدار گردید^۲ و سرانجام در اوایل قرن دوم هجری ابوحنیفه (درگذشته‌ی ۱۵۰ ق) پیشوای ایرانی تبار مکتب فقه حنفی، ترجمه‌ی قرآن را به صورت بحث فقهی درآورد و بر جواز قرائت فارسی قرآن در نماز با کراهت و بدان شرط که نمازگزار یقین داشته باشد که آنچه می‌خواند ترجمه‌ی عبارات عربی قرآن است، نه تفسیر آن، فتوا داد و این فتوا آغازگر نهضت ترجمه‌ی قرآن کریم شد. ماجرای ترجمه‌ی سلمان به دو روایت ضبط شده که چنین است:

روایت نخست: «و پارسیان به سلمان نامه نبشتند تا ایشان را سوره‌ی فاتحه به پارسی نبیسد تا در نماز بخوانند تا بدان وقت که زبانشان بر عربی روان گردد.»^۳ مشهور است که سلمان سوره‌ی فاتحه را به فارسی نوشت. آنگاه پارسی زبانان آنچه را که نوشته بود در نماز می‌خواندند تا زبانشان نرم شد؛ و

۱. ر.ک: همان، ص ۷۴.

۲. مانند: اعتقاد ابن مسعود (درگذشته‌ی ۳۲ ق) به جانشین پذیری کلمات قرآن، ترجمه‌ی معانی قرآن توسط حسن بصری (درگذشته‌ی ۱۱۰ ق) برای مستمعان فارسی زبان در مجالس تفسیر و یا حبیب عجمی که در نماز خویش قرآن را به فارسی می‌خواند.

۳. المبسوط، ج ۱، ص ۳۶.

این امر را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند، حضرت انکاری نفرمودند.

روایت دوم: «سلمان فارسی از مصطفی صلی الله علیه و آله دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد. وی رادستوری داد. چنین گفتند که: وی قرآن بنبشت و پارسی آن اندر زیر آن بنبشت».^۱

به گواه موافقان ترجمه بنابر روایت نخست، ترجمه‌ی سوره‌ی حمد با هدف جانشینی به جای اصل و قرائت آن در نماز، انجام گرفت. ابوحنیفه نیز به استناد همین روایت، قرائت ترجمه‌ی فارسی سوره‌ی حمد را در نماز در حکم قرائت اصل این سوره می‌دانست.

در روایت دوم سلمان به اجازه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ترجمه‌ی فارسی قرآن را در زیر متن عربی برای قوم خود نوشت و این عمل و تأیید حضرت بر آن، دلالتی است بر قبول ترجمه‌ی قرآن به سایر زبان‌ها و اشاره به نوشتن ترجمه در زیر متن قرآن، حاکی از آن است که ترجمه برابر اصل نیست.

بانگاهی به تاریخ ترجمه‌ی قرآن کریم می‌توان دریافت که پیش از نگارش ترجمه‌ی تفسیر طبری در قرن چهارم، کس را یارای آن نبوده که به طور رسمی و همگانی متن قرآن را به زبان دیگری بازگرداند. از این رو پادشاه ایران، منصور بن نوح سامانی، برای درک معانی و مفاهیم قرآن بر آن شد که ترجمه‌ای از آن فراهم آید. وی علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و جواز ترجمه قرآن به فارسی را از ایشان استفتا کرد و از آن پس این فتوا سرآغازی برای ترجمه و تفسیر قرآن به زبان پارسی شد. به بیان دیگر فتوای فقهای خراسان وجود هرگونه ترجمه‌ی رسمی قرآن را پیش از عهد سامانیان نفی می‌کند؛ و پس از آن فتوا، پایه‌ی ترجمه و تفسیر رسمی قرآن نهاده شد و نخستین ترجمه‌ی فارسی قرآن موسوم به ترجمه‌ی تفسیر طبری پدید آمد.^۲

۱. التبصیر فی الدین و تمييز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین، ج ۱، ص ۸.

۲. رک: دانشنامه جهان اسلام، ص ۷۳ و ۷۹.

۵. ترجمه‌ی جمعی قرآن کریم: لازمه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم آگاهی بر علوم گوناگون و داشتن اطلاعات بسیار است؛ و از آنجا که از دیرباز احاطه بر همه‌ی علوم برای یک فرد امکان پذیر نبود، اندیشه‌ی ترجمه‌ی دسته جمعی قرآن بر اذهان خطور کرد. در طول تاریخ تورات و انجیل بارها به صورت جمعی ترجمه شد و چنانکه از مقدمه‌ی ترجمه‌ی تفسیر طبری پیداست؛ نخستین ترجمه‌ی جمعی قرآن کریم در ترجمه‌ی تفسیر طبری صورت پذیرفت:

امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح... چنان خواست مرین را ترجمه کند به زبان پارسی. پس علماء ماوراءالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم. گفتند روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند... پس بفرمود امیر سیدملک مظفر ابوصالح این جماعت علماء را تا ایشان از میان خویش هرکدام فاضلتر و عالمتر اختیار کنند تا این کتاب را ترجمه کنند. پس ترجمه کردند و از جمله‌ی این مصحف اسنادهای دراز بیفکندند و اقتصار کردند بر متون اخبار و این را بیست مجلد ساختند.^۱

با این همه برخی از پژوهشگران قول مقدمه‌ی ترجمه‌ی تفسیر طبری درباره‌ی ترجمه‌ی جمعی قرآن کریم در این اثر را بی اعتبار دانسته و معتقدند یک شخص مترجم یا مؤلف آن است. این مطلب را در بخش پدیدآورندگان ترجمه‌ی تفسیر طبری به تفصیل شرح خواهیم داد.

۶. انواع ترجمه‌های قرآن: ترجمه‌های قرآن اغلب به دو شیوه صورت می‌پذیرد:

۱. ترجمه‌ی صوری یا تحت اللفظی: در این نوع ترجمه که ترجمه‌ی کلمه به کلمه یا بین سطری نیز نامیده می‌شود، مترجم برای هریک از واژگان زبان

مبدأ معادلی در زبان مقصد می‌یابد و می‌کوشد تا از کوچک‌ترین تغییرات در انتقال متن مبدأ به مقصد پرهیز نماید. این روش ترجمه، امروزه تقریباً منسوخ شده، اما گذشتگان به دلیل رعایت امانت در بازگردان کلام وحی اغلب آن را دنبال می‌کردند و بیشتر ترجمه‌های کهنی که در ضمن تفاسیر برجای مانده و ذخایر گران‌بهایی از واژگان فارسی سره را در بردارد، از این دست است. در ترجمه‌ی تفسیر طبری نیز آیات قرآن کریم بدین شیوه ترجمه شده است.

۲. ترجمه‌ی تفسیری یا محتوایی: در این نوع ترجمه سعی مترجم بر آن است تا معانی و مفاهیم زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل نماید. گذشته از ترجمه‌های نخستین قرآن کریم که مترجمان مرعوب کلام الهی و البته آغازگران راه هستند، دیگر ترجمه‌های قرآن ترجمه‌های تفسیری است و تقریباً می‌توان گفت ترجمه‌ای خالص از کلام وحی وجود ندارد.^۱

در سیر تاریخی ترجمه و تفسیر قرآن از آغاز تا کنون دوره‌های مختلفی وجود داشته است:

۱. دوره‌ی نخست: در این دوره ترجمه‌ها تحت اللفظی و لغوی است و در آن‌ها تنها به معادل‌یابی بسنده می‌شد. و از آنجا که این ترجمه‌ها در نقاط مختلفی شکل می‌گرفت ویژگی‌های گونه‌های مختلف زبان فارسی را به خوبی باز می‌نمایاند. ترجمه‌ی تفسیر طبری متعلق به این دوره است.

۲. دوره‌ی دوم: این دوره از میانه‌ی قرن پنجم آغاز شد. ترجمه با دیدگاه‌های تفسیری در آمیخت و ترجمه‌های تحت اللفظی مورد انتقاد قرار گرفت. در این دوران که عصر رنسانس اسلامی نیز نام نهاده شده، ترجمه‌ها صحنه‌ی به هم‌آمیزی و ستیز فرقه‌های کلامی بوده است.

۳. دوره‌ی سوم: آغاز این دوره اواخر قرن یازدهم است و در طی آن حدود و

۱. ر.ک: تفاوت ترجمه‌های قرآن از منظر ایدئولوژیک، ص ۴۳.

ثغور ترجمه و تفسیر در هم آمیخت و غلبه با تفسیر بود.^۱

۷. شیوه و سبک ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری: چنانکه اشاره شد به سبب دقت بی‌شمار مؤلفان برای رعایت امانت در کلام وحی، شیوه‌ی ترجمه‌ی آیات در ترجمه‌ی تفسیر طبری که در قرن چهارم از عربی به فارسی بازگردانده شد، تحت اللفظی، واژه به واژه، لغوی یا بین سطری است و در برابر هر کلمه‌ی قرآنی معادل فارسی آن نهاده شده است. البته دکتر آذرنوش معتقد است:

در این کتاب سه گونه معادل گذاری شده است: ۱. به کار بردن عین کلمه‌ی عربی؛ این گونه کلمات که بیشتر از چهار یا پنج درصد نیست یا معادل فارسی نداشته یا در فارسی رایج بوده‌اند، ۲. گزینش واژه‌های فارسی در مقابل واژه‌های عربی که گسترش درخور دارد و شاهکار حقیقی این کتاب است؛ و ۳. گزیده برداری با ترجمه‌ی لفظ به لفظ ترکیب‌ها و اصطلاحات عربی که در فارسی رایج بوده است.^۲

لازم به ذکر است ترجمه‌ی آیات در بخش ترجمه‌ی تحت اللفظی کتاب با نمونه‌های ترجمه‌ی همان آیات در متن تفسیر متفاوت است، چرا که ترجمه‌ی آیات در متن تفسیر بسیار روان و با آزادی بیشتری انجام شده است. اینک به بیان نکاتی در ساختار، سبک و روش ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری می‌پردازیم:^۳

۱. ترجمه‌ی تحت اللفظی: در این کتاب ترجمه‌ی آیات لفظ به لفظ است و جنبه‌ی صرفی لغات بیش از جنبه‌ی نحوی و ترکیبی آن مورد نظر است.

۱. ر.ک: تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، مقدمه.

۲. «ترجمه‌ی تفسیر طبری»، آذرتاش آذرنوش، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۱.

۳. ر.ک: نخستین تفسیر فارسی موجود موسوم به ترجمه‌ی تفسیر طبری، صص ۱۰۷ - ۹۴ و «زبان ترجمه در ترجمه‌ی تفسیر طبری»، محمد جاوید صباغیان، یادنامه‌ی طبری، صص ۵۹۹ - ۵۸۸ (نقل به مضمون)

همان‌طور که گفتیم شیوه‌ی ترجمه‌ی آیات قرآن با ترجمه‌ی بخش تفسیری این کتاب تفاوت دارد، به این معنا که در ترجمه‌ها به معنای تحت اللفظی آیات اکتفا و دستور ساختار عربی حفظ شده است، از این رو گاه درک معنا دشوار است، اما وقتی در درون تفسیر به آیه اشاره می‌شود، در ترجمه‌ی آن، الفاظ اضافی نیز در تفسیر با توضیح کلمات راه می‌یابد و همین امر است که این بار ترجمه‌ی آیه را بسیار شیوا و به دور از نحو عربی، با ساختمان طبیعی و کاملاً معنی‌دار می‌سازد.^۱ مانند: «كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ»^۲: «همچنین گفت آن کس‌ها که [نه] دانند همچون گفتار ایشان»^۳ کلمه‌ی «قَالَ» به اعتبار ترجمه‌ی تحت اللفظی «گفت» ترجمه شده، درحالی که با توجه به فاعل «الَّذِينَ» باید «گفتند» ترجمه می‌شد.

۲. عدم ذکر لفظ ترجمه در عنوان ترجمه‌ی آیات: در عنوان ترجمه‌ی آیات، لفظ ترجمه نیامده و فقط نام سوره ذکر شده است مانند: «سورة البقرة»^۴، به جز سوره‌ی حمد که در آغاز آن آمده است: «ترجمه‌ی سورة فاتحة الكتاب»^۵.

۳. معرفی سوره: در بخش ترجمه‌ی آیات پس از ذکر نام سوره؛ مکی و مدنی بودن سوره و تعداد آیات آن با عبارتی عربی بیان شده است. مانند: «مدنية، و هی مائتا آية»^۶.

۴. ترجمه‌ی افعال مجهول به صورت معلوم: در اغلب آیات، افعال مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است. مانند: «وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ»^۷: «و حاصل‌بکنند آنچه اندر دل‌ها»^۸، «حُصِّلَ» فعل مجهولی است که معلوم ترجمه شده است.

۱. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، صص ۳۸-۳۶.

۲. سوره بقره، آیه‌ی ۱۱۳. ۳. همان: ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۲۰. ۵. همان، ص ۱۱.

۶. همان، ص ۱۹۹. ۷. سوره‌ی العاديات، آیه‌ی ۱۰.

۸. ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۲۰۴۳.

۵. ترجمه‌ی مصدر لازم به صورت متعدی: گاه مصدر لازم به صورت متعدی ترجمه شده است. مانند: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ»^۱: «که ببینیم گردانیدن تو روی ترا اندر آسمان...»^۲، «تَقَلُّبِ» وجه به معنی گردیدن روی است نه «گردانیدن».

۶. ترجمه‌ی فعل لازم به صورت متعدی: گاه فعل لازم به صورت متعدی ترجمه شده است. مانند: «وَالَّذِينَ يَتَوْفُونَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا»^۳: «و آن کس‌ها که بمیرند از شما و بمانند زنان، بباشند بتنهای ایشان چهارماه و ده روز»^۴، کلمات «يَتَوْفُونَ» و «يَذُرُونَ» به جای «می‌میرند» و «باقی می‌مانند» بمیرند و بمانند ترجمه شده است.

۷. عدم رعایت صیغه‌ی افعال در ترجمه: در ترجمه‌ی برخی آیات، صیغه‌ی افعال به درستی ترجمه نشده است. مانند: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»^۵: «بی‌راه کردشان دیو از آن و بیرون کردیم‌شان از آن که بودند اندر آن»^۶، فعل «أَخْرَجَ» - که فعل ماضی صیغه‌ی مفرد مذکر غایب است - به صورت متکلم مع الغیر ترجمه شده است.

۸. عدم رعایت زمان افعال در ترجمه: در ترجمه‌ی برخی آیات زمان افعال به درستی ترجمه نشده است. مانند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ»^۷: «نبینی سوی آن کس‌ها که بیرون شدند از سرایه‌شان»^۸، کلمه‌ی «أَلَمْ تَرَ» به جای «آیا ندیدی»، «نبینی» ترجمه شده است.

۹. استعمال کلمات اضافی در ترجمه: مانند: «وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»^۹: «بدین انجیر و زیتون و بدین کوه سینا و بدین شهر

۲. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۴۲.

۶. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۴۷.

۸. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۴۶.

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۴.

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳۴.

۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۶.

۷. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۳.

۹. سوره‌ی تین، آیات ۱-۳.

مکه». ^۱، کلمه‌ی «بدین» در ترجمه‌ی آیات اول و دوم اضافی و به اعتبار آیه‌ی سوم آمده است؛ و یا «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا» ^۲: «بگو بخندید اندکی و بگریید بسیار». ^۳، آوردن لفظ «بگو» در آغاز ترجمه اضافی و برای توضیح بیشتر آمده‌بی آنکه کلمه‌ی «قُلْ» در آیه باشد.

۱۰. استعمال کلمات مترادف در ترجمه: مانند: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ» ^۴: «نه گشاده کردیم ترا سینه و دل ترا و بنهادیم از تو بار و گناه تو». ^۵، کلمه‌ی «صدر»؛ سینه و دل و کلمه‌ی «وزر»؛ بار و گناه ترجمه شده است.

۱۱. عدم رعایت نکات دقیق زبان عربی: مانند: «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» ^۶: «بسنده است ایشان را خدای، اوست شنوا و دانا» ^۷، «ک» ضمیر مخاطب، «ترا» ترجمه نشده است.

۱۲. استعمال ترجمه‌ی کلمات جمع به صورت مفرد: مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْإِذْيِ» ^۸: «ای آنکس‌ها که بگرویدید مه تباہ کنید صدقه‌ی شما بسپاس و رنج». ^۹، «صدقات»، که جمع است، «صدقه» ترجمه شده است.

۱۳. استعمال ترجمه‌ی کلمات مفرد به صورت جمع: مانند: «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْإِسْلَامِ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» ^{۱۰}: «که دین نزدیک خدای مسلمانی است و نه اختلاف کردند آنکس‌ها که بدادندشان کتاب مگر از پس آنچه آمدندشان دانش، جستن افزون میان

۱. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۷، ص ۲۰۳۰.

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۸۲.

۳. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۷، ص ۲۰۲۸.

۴. سوره‌ی انشراح، آیات ۲-۱.

۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۳۷.

۶. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۴.

۷. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹.

۸. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۷۱.

ایشان»^۱، «جَاءَ» فعل مفرد است و فاعل آن «علم» است، اما به صورت جمع «آمدندشان» ترجمه شده است.

۱۴. عدم صحت ترجمه در برخی موارد: مانند: «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲: «و نیست بیم برایشان و نه ایشان ترسی دارند»^۳، «حزن» که در زبان عرب به معنای اندوه است، ترس ترجمه شده است.

۱۵. استعمال برابره‌های فعل نهی به صیغه‌ی دعایی: مانند: «وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ»^۴: «مه اندوهگن کناد ترا آنکس‌ها که می‌شتابند اندر کافری»^۵، فعل نهی «لَا يَحْزُنْكَ» به جای «اندوهگینت نکنند»، به صورت دعایی «مه اندوهگن کناد» ترجمه شده است.

۱۶. استعمال «هست» در برابر هل استفهامی: مانند: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ»^۶: «هست می‌نگرید مگر که بیاید برایشان خدای اندر تاریکی‌ها از میغ و فریشتگان»^۷.

۱۷. استعمال کلمات «مردان» یا «زنان» یا مفرد آنها در ترجمه‌ی آیاتی که دو اسم یا صفت مذکر و مؤنث در آنها آمده است، مانند: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ»^۸: «مردان منافقان و زنان منافقان برخی از ایشان از برخی، می‌فرمایند به زشتی و می‌بازدارند از نیکویی»^۹.

۱۸. استعمال کلمه‌ی «مردم» یا «مردمان» در ترجمه‌ی کلمه‌ی «انسان»، مانند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»^{۱۰}: «ای مردم چه بفریفت ترا

- | | |
|------------------------------------|------------------------------|
| ۱. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۴۲. | ۲. سوره‌ی بقره، آیه ۶۲. |
| ۳. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۶۵. | ۴. سوره‌ی آل عمران، آیه ۱۷۶. |
| ۵. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۶۴. | ۶. سوره‌ی بقره، آیه ۲۱۰. |
| ۷. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۳۳. | ۸. سوره‌ی توبه، آیه ۶۷. |
| ۹. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۳، ص ۶۱۸. | ۱۰. سوره‌ی انفطار، آیه ۶. |

بخدای تو بزرگوار؟»^۱

۱۹. استعمال عبارات ثنایی در ترجمه‌ی نام خداوند که در متن آیه ذکر نشده است، مانند: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ»^۲: «و نیست شما را از بیرون خدای عزوجل هیچ دوستانی.»^۳ و یا «وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^۴: «وگمراه کند خدای تعالی مرستمکاران را - یعنی کافران را - و بکند خدای تعالی آنچه خواهد.»^۵

۲۰. به کار بردن کلمه‌ی «آیا» در ترجمه‌ی «أَلَا»: مانند: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۶: «آیا بدان که خداست راست دین پاکیزه.»^۷

۲۱. ترجمه‌ی تفسیری: ترجمه‌ی برخی از آیات با توضیح و تفسیری مختصر همراه است. به عنوان نمونه ترجمه‌ی آیه‌ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۸ در برخی از سوره‌ها همراه با تفسیری کوتاه آمده‌است، مانند: سوره‌ی نصر: «بنام آن خدائی که محمد را نصرت کرد، مهربانی که مکه را بر وی گشاده گردانید، بخشاینده که ورا شفیع امت گردانید.»^۹ و یا ترجمه‌ی دیگر آیاتی که به ندرت با اشارات تفسیری همراه است. مانند: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^{۱۰}: «که دشمن تو است ابتر، یعنی ولید بن مغیره و ابو جهل بن هشام که ترا گفتند: ابتری. ابترایشانند.»^{۱۱} و یا ترجمه‌ی تفسیری حروف مقطعه، مانند: «آلَم»^{۱۲}: «منم خدای دانا.»^{۱۳} و «آلَمَر»^{۱۴}: «منم خدای بینا.»^{۱۵}

۱. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۹۹۳.

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۳.

۳. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۳، ص ۷۲۵.

۴. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۷.

۵. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۴، ص ۸۲۳.

۶. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳.

۷. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۵۶۸.

۸. سوره‌ی نصر، آیه‌ی ۱.

۹. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۷، ص ۲۰۷۰.

۱۰. سوره‌ی کوثر، آیه‌ی ۳.

۱۱. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ص ۲۰۶۵.

۱۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱.

۱۳. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۱، صص ۲۰.

۱۴. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱.

۱۵. ترجمه‌ی تفسیر طبری، ج ۳، ص ۸۰۶.

۲۲. ترجمه‌ی مفهومی: گاهی در ترجمه‌ی برخی از کلمات قرآن مفهوم و معنای تفسیری آن در نظر گرفته شده است. مانند: «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ»^۱: «و چون آمد رستاخیز»^۲، کلمه‌ی «الصَّاخَّةُ» در لغت به معنای «فریاد گوش خراش» است که یکی از آثار قیامت است، اما در این آیه معادل «قیامت» و «رستاخیز» ترجمه شده است.

۲۳. استعمال مفردات و ترکیبات فارسی در ترجمه‌ی کلمات قرآنی: آنچه در سبک و شیوه‌ی کار مترجمان ترجمه‌ی تفسیر طبری، حائز اهمیت است، استفاده از معادل‌های فارسی در برابر واژگان عربی است. چندانکه این کتاب گنجینه‌ی گران‌بهایی از لغات کهن و ترکیبات سره و استوار زبان فارسی است که در برابر واژگان قرآنی نهاده شده است. براین اساس، لغات عربی آن بسیار محدود و بیشتر لغات علمی یا دینی و یا آن دسته از لغات رایج عربی در میان فارسی‌زبانان است که نظیرش در زبان فارسی وجود نداشته است. برای نمونه به ذکر چند مورد از ترجمه‌ی فارسی کلمات عربی اشاره می‌کنیم. مانند:

«خاشعین»: ترسکاران، «ضلالة»: بی‌راهی، «مهدتین»: راه یافتگان، «مشر بهم»: آبخور ایشان، «صابئین»: خرم دینان، «روح القدس»: باد پاک، «مشرکین»: انبازگیران، «وسطی»: میانگی، «واسع»: فراخ کار، «اکراه»: دشواری، «طوعاً و کرهاً»: خوشکام و دشکام، «ضالین»: گم شدگان، «وکیل»: نگاه بان، «توفیقاً»: هم رای، «خصیماً»: یارمند، «کید»: سگالش، «أثیماً»: بزه‌مند، «عُدوان»: دشمن‌اذگی، «فاسقون»: تباہ‌راهان، «اساطیر الأولین»: افسانه‌ی پیشینگان، «مسرین»: گزاف کاران، «منظرین»: زمان دادگان، «مصلحون»: بسامانان، «ممرتین»: گمان‌مندان، «شفاعة»: خواهشگری، «مستهزؤن»: افسوس‌کنان، «ضارین»: گزندگان، «السمیع»: همه شنو.